

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ولادیمیر استپانویچ نیکیتین (Vladimir Stepanovich Nikitin)

برگردان و توضیحات داخل [...] ابراهیم شیری

۱۳ فبروری ۲۰۲۴

تصویر دنیای معاصر در پرتو کرونوپلیتیک

(۲)



طبق معیارهای کیهانی چه اتفاق می افتد

از نقطه نظر قوانین فضاء و زمان کیهانی، در قرن بیست و یکم تغییر دوره های کیهانی که بیش از دو هزار سال به طول انجامید، آغاز شده است. این تغییر دوران با تغییر جهان بینی حاکم بر بشریت همراه است. امروزه جهان بینی غالب تمدن غرب، انسان محوری است.

به عقیده نیکولای بردیایف، فیلسوف روس، انسان محوری به عنوان جهان بینی غالب غربی توسط مذهب مسیحی بیش از دو هزار سال پیش شکل گرفت. بردیایف در این باره نوشت: «مسیحیت انسان را از سلطه طبیعت آزاد کرد و آن را از نظر معنوی در مرکز جهان قرار داد. حس انسان گرایی با انسان باستان بیگانه بود. زیرا، تصور می کرد جزء تفکیکناپذیر طبیعت است. فقط مسیحیت این احساس انسان محوری را که به نیروی محرکه اصلی دوران جدید تبدیل گردید، به انسان داد. انسان در مرکز این احساس قرار دارد و او را بالاتر از طبیعت قرار می دهد... مسیحیت فرآیند رهائی روح انسان را از طریق جدا شدن از زندگی درونی طبیعت به انجام رساند... ماشینی شدن طبیعت که با درک آن به عنوان یک مکانیسم مرده و نه یک موجود زنده همراه بود، آغاز شد».

اندیشمند روس، ۱۰۰ سال پیش متوجه شد و به بشریت هشدار داد که مسیحیت غربی مسیر فاجعه باری را طی می کند. او چنین نوشت: «دیالکتیک کاتولیک در مورد انسان به گونه ای است که خودتأییدی انسان به خود ویرانگری

انسان منجر می‌شود و آشکار شدن بازی آزادانه نیروهای انسانی که به هدف بالاتر مقید نیست، به خشک شدن نیروهای خلاق منتهی می‌شود».

اکنون، در قرن بیست و یکم، حقانیت بردیایف کاملاً آشکار شده است. انسان‌محوری به عنوان جهان‌بینی که انسان را به عنوان فاتح همه‌کاره طبیعت تجلیل می‌کند، نخبگان جامعه را به سمت مصرف بی‌حد و حصر و مالکیت بی‌حد و حصر بر دارائی‌های مادی رهنمون شده، پول را از ابزار اقتصادی به مرتبه‌ی خدائی ارتقاء داده و به نابرابری آشکار اجتماعی مشروعیت بخشیده، ویژگی‌های خلاقانه خود را از دست داده و جهان را به سوی نابودی طبیعت و مرگ بشریت سوق می‌دهد.

برای محافظت در برابر چنین مدیریت غیرمنطقی، زمین به عنوان یک دستگاه خودتنظیم، سازوکارهای جبرانی خود را برای حفظ شاخص‌های حیاتی «روشن» می‌کند، اما آن‌ها بی‌حد و حصر نیستند. این موضوع را دانشمندان مرکز دولتی مشاهدات ابزاری محیط و پیش‌بینی فرآیندهای ژئوفیزیکی به سرپرستی ایگور یانیتسکی، در سال ۲۰۰۱ به طور رسمی به دولت فدراسیون روسیه اعلام کردند. این مرکز «توصیه‌های روش‌شناختی برای محافظت در برابر تأثیرات منفی اطلاعات انرژی» را که اوج آن توسط دانشمندان در آغاز قرن بیست و یکم پیش‌بینی شده بود، به رهبری کشور ارسال کرد. مشتری اصلی چنین تحقیقاتی وزارت دفاع فدراسیون روسیه بود.

دانشمندان استدلال نمودند که «تمدن مبتنی بر انسان‌مداری شرورانه نمی‌تواند در مقابل دشواری‌های زمانه در قالب «مجموعه‌ی قصاص طبیعت» مانند بلایای آب و هوایی، دیگر بلایای طبیعی و شیوع بیماری‌های شناخته و هنوز ناشناخته مقاومت کند».

به گفته دانشمندان این مرکز، «تغییر جهان‌بینی از انسان‌محوری به اصل کیهانی که در دنیای علم، انسان‌شناسی نامیده می‌شود»، تنها راه فعال برای محافظت از فجایع آتی می‌تواند باشد. انسان‌شناسی، جهان‌بینی هزاره سوم و بر قوانین عمومی کیهان مبتنی است که هدف آن نه تسلط انسان بر طبیعت، بلکه توسعه هماهنگ انسان، جامعه و طبیعت در یک کیهان واحد است. خلاف انسان‌محوری همراه با راه‌اندازی «جنگ همه علیه همه» آن برای تصاحب اموال مادی، شعار اصلی انسان‌گرایی «صلح بر جهان» است. انسان‌گرایی از ستراتیژی تسلط برگزیدگان بر جهان به ستراتیژی به نفع هماهنگی جهانی برای همه روی می‌آورد. این هماهنگی جهانی مبتنی بر درک متقابل و شناخت است که هدف تمدن زمینی آینده، تملک دارائی مادی نخواهد بود. بلکه، رشد ذهن فرد خلاق، حفظ طبیعت طبیعی و مبارزه برای طولانی کردن عمر انسان که در هماهنگی با جامعه، طبیعت و کیهان زندگی می‌کند، خواهد بود.

در عین حال، دانشمندان پیش‌بینی کردند که در دهه‌های اول قرن بیست و یکم به اصطلاح «زمان تحول» آغاز خواهد شد. در این دوره، ملت‌ها، مردمان و دولت‌هایی که خلاف «منافع» کیهان و متضاد با هارمونی کیهانی زندگی می‌کنند، تأثیرات طبیعت، از جمله، به شکل تبدیل جهش‌زای میکروارگانیسم‌های خنثی به سمی را بشدت تجربه خواهند کرد. اطلاعات مربوط به تأثیر بیماری‌های واگیر در سال ۲۰۰۱، در مقاله مندرج در روزنامه «ترود [کار]»، زیر عنوان «آیا سیاره جامد است»، داده شد.

متأسفانه، این هشدار جدی دانشمندان را مقامات روسیه ناشنیده و نادیده گرفتند. موضوع تأثیرات منفی انرژی-اطلاعاتی در طول گذار از انسان‌محوری به انسان‌گرایی به طور عمیق مورد مطالعه قرار نگرفته است. به ناحق. زمان صحت نتیجه‌گیری دانشمندان این مرکز را تأیید کرد. یکی از اولین کسانی که توجهات را به این موضوع جلب کرد، آندری آنتونوف، معاون رئیس فرهنگستان علوم و هنر پتروفسکی بود. او مقاله روزنامه «ترود» را نیز برایم فرستاد.

وقت آن است که رسماً اعتراف کنیم که از نقطه نظر کرونوپلیتیک، مشکل اصلی زمان حاضر خلاف آنچه که به ما القاء می‌کنند، مالی و اقتصادی نیست. بلکه، یک بحران فراگیر ایدئولوژیک است. پیش‌بینی دانشمندان در مورد «عوامل قاصص» نیز به واقعیت پیوست. به گونه‌ای، که برای کاهش سرعت گذار به انسان‌گرایی، همه‌گیری ویروس کرونا تمام جهان و تا حدود زیادی آمریکا را به عنوان سنگر انسان‌محوری فراگرفت. در ضمن، ولادیمیر ورنادسکی حتی در سال ۱۹۴۳ هشدار داد که دنیای میکروب‌ها قوی‌ترین نیروی زمین‌شناسی سیاره‌ای است و باید توجه علم را بر مطالعه ویروس‌هائی متمرکز کرد که برای اولین بار به عنوان یک گونه جدید توسط دمیتری ایوانوفسکی، دانشمند روس در قرن نوزدهم کشف شد.

من در کتابم با عنوان «تفکر کیهانی - کلید خروج از بحران جهانی» که در سال ۲۰۱۴ منتشر شد، در مورد بحران جامع ایدئولوژیک و راه‌های خروج از آن را با جزئیات بیشتر توضیح داده‌ام.

درباره وضعیت بحرانی سیاره زمین

از نقطه نظر قوانین طبیعت، سیاره زمین در قرن بیست و یکم، وارد مرحله‌ای از اضافه بار شدید انسانی و تکنولوژیک شده است. دونالد و دنیس میدوز، دانشمندان امریکائی در سال ۱۹۷۲ دنیای معاصر و تعامل آن بین بشر و زیست‌کره (بیوسفر) را در شش پارامتر شامل تعداد جمعیت، حجم تولیدات صنعتی، حجم مواد غذایی، ذخایر منابع طبیعی، سطح آلودگی محیط زیست و همچنین میزان ناهماهنگی اجتماعی-اقتصادی در جامعه انسانی بررسی کردند. دانشمندان، از طریق مدل‌سازی ریاضی و کمپیوتری از توسعه خودبه‌خودی و کنترل‌نشده بیشتر جهان، به این نتیجه رسیدند: «دنیای سنتی با نرخ رشد اقتصادی و جمعیتی، با ساختارهای اقتصادی-اجتماعی مسلط خود، به دلیل محدودیت در منابع طبیعی و ناهماهنگی اجتماعی-اقتصادی جامعه جهانی، در حوالی سال ۲۰۲۵ به مرحله فروپاشی وارد خواهد شد». دانشمندان گزارش خود تحت عنوان «محدودیت‌های رشد» را به باشگاه رم ارائه کردند [باشگاه رُم در کنار باشگاه بیلدربرگ، انجمن اقتصادی داووس و جنبش صهیونیسم، یکی از اهریمی‌ترین تشکیلات امپریالیسم جهانی است].

امروز می‌بینیم که پیش‌بینی میدوزها در حال تحقق است. در سال ۲۰۲۰، برخی از ویروس‌های کرونا که قبلاً ناشناخته بودند، ضربه شدیدی به اقتصاد جهانی وارد آوردند. قیمت نفت کاهش یافت و کل بخش‌های خدمات، حمل‌ونقل و صنعت را متوقف شد. اما این تازه شروع کار بود. این مشکل زمان است، برای پاسخ مناسب به آن باید به طور جدی وارد کرونوپلیتیک شویم.

در این شرایط، ارزیابی صحیح عامل زمان و درک تصویر جدید جهان مهم است. این دقیقاً همان چیزی است که دانشمندان مرکز روسیه برای مشاهدات ابزاری محیط و پیش‌بینی فرآیندهای ژئوفیزیکی به دولت روسیه در سال ۲۰۰۱ درباره آن هشدار دادند. آن‌ها توجه رهبری کشور را به «کشف سیر سینوسی زمان زمینی که اساس آن را چرخه دو هزار ساله نظم پیشرو خورشیدی تشکیل می‌دهد»، جلب کردند. در این رابطه، همانطور که دانشمندان خاطر نشان کردند، «گذار از هزاره دوم به هزاره سوم به عنوان یک فرآیند فزینی کوانتومی رخ می‌دهد و نقطه تغییر در نشانه وجود را تشکیل می‌دهد. اما اگر ۲۰۰۰ سال پیش فاز بعدی سینوسی هستی دارای علامت منفی بود، این بار تغییر در علامت وجود - از منفی به مثبت - رخ خواهد داد. این گذار از گرایش‌های وجودی منفی غیرمنطقی به تمایلات مثبت، قابل توجه است. اما برای ممانعت از ورود بسیاری از اصول غیرمنطقی که طی دو هزار سال اخیر به این آینده بهتر، طبیعت دارای زرادخانه‌ای از وسایل است که استفاده از آن‌ها برای ما به عنوان انواع بدبختی‌ها و نامالیقات از جمله درگیری‌های اجتماعی، بیماری‌های همه‌گیر شناخته‌شده و هنوز ناشناخته، تغییر در پراسنجه‌های محیطی معمول، بلایای

طبیعی و غیره تلقی می‌شود». باور چنین پیش‌بینی توسط دانشمندان دشوار است. دولت فدراسیون روسیه نیز آن را باور نکرد. اما زمان و تجربه پیش‌بینی‌های آن‌ها را تأیید کرده است: همه‌گیری کرونا یک واقعیت است. این بدان معناست که ما باید یافته‌های دانشمندان را عمیق‌تر مطالعه کنیم.

به عقیده آرکادی پاولوویچ فدوتوف، دکتر علوم فنی، برنده جایزه دولت فدراسیون روسیه، بنیانگذار علم جدید - مطالعات جهانی که به مطالعه دنیای مدرن می‌پردازد، روسیه دوباره یک مأموریت جهانی-تاریخی برای تجهیز بشریت به علم پیشرفته در مورد دنیای معاصر و نظریه نجات دارد. این موضوع در کتاب «مطالعات جهانی. مبانی علم تمدن تحت کنترل زمینی» او، منتشره در سال ۲۰۰۹ و وسیعاً مورد بررسی قرار گرفته است.

ادامه دارد